

تعدیل قرارداد

دکتر سعید بیگدلی

www.ketab.ir

| | |
|---------------------|--|
| سرشناسه | بیگدلی، سعید، ۱۳۴۸ - |
| عنوان و نام پدیدآور | تعدیل قرارداد / تالیف سعید بیگدلی |
| مشخصات نشر | تهران: میزان، ۱۳۸۶ |
| مشخصات ظاهری | ص: ۲۲۸ |
| فروست | نشر میزان ۲۶۶ |
| شابک | 978-964-511-065-7 |
| وضعیت فهرست‌مویی | فینیا |
| یادداشت | واژه‌نامه |
| یادداشت | کتابنامه ص ۲۲۶ همچنین به صورت زیر نویس |
| یادداشت | نماینه |
| موضوع | قراردادها — ایران — اصلاح |
| موضوع | قراردادها — ایران — تغییر شرایط |
| موضوع | تعهدات (حقوق) — ایران |
| موضوع | تعهدات (فقه) |
| رده‌بندی کنگره | ت ۹۷ / KMHA۱۷ |
| رده‌بندی دیویی | ۳۳۶ / ۵۵۰ ۲۲ |
| شماره کتابخانه ملی | ۱۰۴۵۶۶۱ |

۲۶۶

نشر میزان

تعدیل قرارداد

دکتر سعید بیگدلی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۶

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۶۵۷

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خ فخررازی، پلاک ۸، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۴، تلفن، ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

دفتر مرکزی: خیابان ایرانشهر جنوبی، جنب مسجدجلیلی، پلاک ۳۴، واحد ۶، تلفن ۸۸۳۰۶۲۰۲

نشانه‌های اختصاری

- فارسی:

| | |
|------------------------|----------|
| جلد | ج |
| چاپ | چ |
| رجوع کنید | ر.ک. |
| شماره | ش |
| صفحه | ص |
| قانون آئین دادرسی مدنی | ق.آ.د.م. |
| قانون تجارت | ق.ت. |
| قانون مدنی | ق.م. |

- فرانسه:

| | |
|-----------|----------------------------|
| Art | ماده |
| Art.préc | مقاله پیشین |
| Bull. civ | بولتن آراء دیوان عالی کشور |
| C.civ | قانون مدنی |
| D | دالوز |
| Gaz.pal | مجله کاخ دادگستری |
| Ibid | همان منبع |
| J-CL.civ | مجموعه آراء قضایی مدنی |
| JCP | مجموعه آراء قضایی |
| N° | شماره |
| P | صفحه |
| RTD,civ | فصلنامه حقوق مدنی |
| Th.préc | پایان نامه پیشین |
| cass | دیوان عالی کشور |
| ch | شعبه |
| op.cit | منبع پیشین |
| éd | چاپ |

فهرست مطالب

| | | |
|----|-------|--|
| ۱۳ | | مقدمه |
| | | بخش نخست |
| ۲۱ | | تعدیل قضایی |
| ۲۳ | | مقدمه - طرح بحث |
| ۲۷ | | فصل نخست: مفهوم و سابقه نظریه عدم پیش بینی |
| ۲۷ | | مبحث نخست: مفهوم نظریه عدم پیش بینی |
| ۳۹ | | مبحث دوم: سابقه نظریه عدم پیش بینی |
| ۴۵ | | فصل دوم: شرایط نظریه عدم پیش بینی |
| ۴۶ | | مبحث نخست: غیرقابل پیش بینی بودن حادثه |
| ۵۱ | | مبحث دوم: عدم قابلیت انتساب حادثه به طرف های عقد |
| ۵۵ | | مبحث سوم: اجتناب ناپذیر بودن حادثه |
| ۵۸ | | مبحث چهارم: دگرگونی اساسی اقتصادی در قرارداد |
| ۶۱ | | مبحث پنجم: شرایط احتمالی دیگر |
| ۶۲ | | گفتار نخست: درازمدت بودن زمان اجرای عقد |
| ۶۳ | | گفتار دوم: عدم پیش بینی و پذیرش وضعیت جدید |
| ۶۵ | | گفتار سوم: عدم اجرای کامل تعهدات توسط متعهد: |

| | |
|-----|---|
| ۶۶ | فصل سوم: تشخیص نظریه عدم پیش‌بینی از نهادهای حقوقی مشابه..... |
| ۶۷ | مبحث نخست: نظریه عدم پیش‌بینی و «فورس مازور»..... |
| ۷۳ | مبحث دوم: نظریه عدم پیش‌بینی و «فراستریشن»..... |
| ۷۴ | گفتار نخست: مفهوم فراستریشن..... |
| ۷۶ | گفتار دوم: سیر پیدایش فراستریشن..... |
| ۸۳ | گفتار سوم: شرایط اجرای فراستریشن و اثر آن..... |
| ۸۵ | گفتار چهارم: قلمرو پذیرش نظریه فراستریشن..... |
| ۹۲ | گفتار پنجم: تفاوت‌های فراستریشن و نظریه عدم پیش‌بینی..... |
| ۹۲ | الف - ماهیت تغییرات ایجاد شده در عقد:..... |
| ۹۵ | ب - اثر حادثه پیش‌بینی نشده در اجرای قرارداد..... |
| ۹۶ | ج - اثر حقوقی اعمال فراستریشن و عدم پیش‌بینی..... |
| ۹۸ | مبحث سوم: نظریه عدم پیش‌بینی و دیگر نهادهای حقوقی مشابه..... |
| | گفتار نخست: نظریه عدم پیش‌بینی و «غیرعملی شدن تجاری قرارداد» |
| ۹۸ | در حقوق آمریکا..... |
| ۹۹ | الف - مفهوم، ماهیت و اثر حقوقی غیرعملی شدن قرارداد..... |
| | ب - تفاوت نظریه عدم پیش‌بینی و غیرعملی شدن اجرای |
| ۱۰۴ | قرارداد..... |
| ۱۰۵ | گفتار دوم: نظریه عدم پیش‌بینی و تبدیل تعهد..... |
| ۱۱۰ | گفتار سوم: نظریه عدم پیش‌بینی و غبن..... |
| | فصل چهارم: اشکالات وارد بر نظریه عدم پیش‌بینی و پاسخ‌های..... |
| ۱۱۳ | طرفداران آن..... |
| ۱۱۳ | مبحث نخست: اشکالات حقوقی نظریه و پاسخ‌های طرفداران..... |
| ۱۱۳ | گفتار نخست: اشکالات حقوقی نظریه..... |
| ۱۱۷ | گفتار دوم: پاسخ‌های طرفداران نظریه..... |
| ۱۲۳ | مبحث دوم: اشکالات اقتصادی نظریه و پاسخ‌های طرفداران..... |

| | |
|--|-----|
| گفتار نخست: اشکالات اقتصادی نظریه..... | ۱۲۳ |
| گفتار دوم: پاسخ‌های طرفداران نظریه..... | ۱۲۶ |
| فصل پنجم: مبانی حقوقی عام نظریهٔ عدم پیش‌بینی..... | ۱۳۰ |
| مبحث نخست: ارادهٔ مشترک..... | ۱۳۰ |
| مبحث دوم: دارا شدن بدون سبب (غیر عادلانه)..... | ۱۳۷ |
| مبحث سوم: سوء استفاده از حق..... | ۱۴۱ |
| مبحث چهارم: رفتار خلاف «حسن نیت»..... | ۱۴۴ |
| فصل ششم: مبانی نظریهٔ عدم پیش‌بینی در حقوق ایران و فقه عامه..... | ۱۴۸ |
| مبحث نخست: نظریهٔ شرط ضمنی..... | ۱۴۹ |
| گفتار نخست: مفهوم نظریه..... | ۱۴۹ |
| گفتار دوم: نقد و بررسی نظریه..... | ۱۵۴ |
| مبحث دوم: نظریهٔ غبن حادث..... | ۱۵۷ |
| گفتار نخست: مفهوم نظریه و ضمانت اجرایی آن..... | ۱۵۷ |
| الف - مفهوم نظریهٔ غبن حادث..... | ۱۵۷ |
| ب - ضمانت اجرای غبن حادث..... | ۱۶۰ |
| گفتار دوم: تعدیل براساس قاعدهٔ لاضرر از دیدگاه فقه..... | ۱۶۱ |
| گفتار سوم: نقد و بررسی نظریهٔ غبن حادث..... | ۱۶۷ |
| مبحث سوم: نظریهٔ نفی عسر و حرج..... | ۱۷۵ |
| گفتار نخست: بررسی نفی عسر و حرج در فقه..... | ۱۷۶ |
| الف - مفهوم عسر و حرج (لا حرج)..... | ۱۷۶ |
| ب - مستندات قاعده..... | ۱۷۹ |
| ج - قلمرو قاعده..... | ۱۸۱ |
| ۱- وضعیت قاعده در مورد احکام وضعی:..... | ۱۸۱ |
| ۲- وضعیت قاعده نسبت به امور عدمی..... | ۱۸۳ |
| ۳- وضعیت قاعده نسبت به لاضرر:..... | ۱۸۴ |

- ۱۸۵ ۴- وضعیت قاعده در تعارض با ضرر یا حرج دیگری
- ۱۸۷ گفتار دوم: نفی عسر و حرج در قوانین ایران
- ۱۹۱ گفتار سوم: دیدگاه طرفداران نظریه نفی عسر و حرج و نقد آن
- ۱۹۳ گفتار چهارم: دیدگاه نویسندگان
- ۲۰۰ مبحث چهارم: فقه اهل سنت و نظریه عدم پیش‌بینی
- ۲۰۰ گفتار نخست: فسخ عقد اجاره در نتیجه عذر موجد یا مستأجر
- ۲۰۳ گفتار دوم: تغییر تعهدات طرفین، براساس احادیث جائحه
- ۲۱۰ فصل هفتم: تأثیر نظریه عدم پیش‌بینی در حقوق خارجی
- مبحث نخست: تأثیر نظریه عدم پیش‌بینی در رویه قضایی
- ۲۱۱ کشورهای دیگر
- ۲۱۱ گفتار نخست: حقوق فرانسه
- ۲۱۱ الف- رویه قضایی مدنی
- ۲۲۰ ب- رویه قضایی اداری
- ۲۲۵ گفتار دوم: حقوق آلمان
- ۲۲۹ گفتار سوم: حقوق سوئیس
- ۲۳۱ گفتار چهارم: حقوق ایتالیا
- ۲۳۳ گفتار پنجم: حقوق مصر و کشورهای عربی
- ۲۳۴ گفتار ششم: حقوق انگلستان و آمریکا
- ۲۳۴ الف- حقوق انگلستان
- ۲۳۶ ب- حقوق آمریکا
- ۲۳۷ گفتار هفتم: حقوق سایر کشورها
- ۲۳۸ مبحث دوم: تأثیر نظریه عدم پیش‌بینی در حقوق بین‌الملل
- ۲۳۹ گفتار نخست: تأثیر نظریه در رویه قضایی بین‌الملل عمومی
- ۲۴۲ گفتار دوم: وضعیت نظریه در عهدنامه وین (۱۹۶۹)
- گفتار سوم: وضعیت نظریه در مقررات پیشنهادی از سوی مؤسسات
- ۲۴۵ حقوقی بین‌المللی

| | |
|---|-----|
| الف - پیشنهادات «مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی» | |
| حقوق خصوصی» | ۲۴۶ |
| ب - پیشنهادات «اتاق بازرگانی بین‌المللی» | ۲۵۰ |
| بخش دوم | |
| تعدیل قراردادی و تعدیل قانونی | ۲۵۳ |
| مقدمه - طرح بحث | ۲۵۵ |
| فصل نخست: تعدیل قراردادی | ۲۵۷ |
| مبحث نخست: پیش‌بینی تعدیل به هنگام انعقاد قرارداد | ۲۵۹ |
| گفتار نخست: شروط تعدیل اتوماتیک قرارداد | ۲۶۱ |
| الف - شروط تعدیل بی‌واسطه قرارداد | ۲۶۲ |
| ۱- انواع شروط بی‌واسطه | ۲۶۲ |
| ۲- صحت شروط بی‌واسطه | ۲۶۹ |
| ب- شروط تعدیل با واسطه قرارداد | ۲۸۲ |
| ۱- انواع شروط تعدیل با واسطه | ۲۸۲ |
| ۲- صحت شروط با واسطه | ۲۸۴ |
| گفتار دوم: شروط تعدیل غیر اتوماتیک قرارداد | ۳۰۳ |
| الف - تعدیل منوط به الحاق طرفین | ۳۰۴ |
| ۱- انواع تعدیل منوط بر الحاق طرفین | ۳۰۴ |
| ۲- صحت شروط تعدیل منوط بر الحاق طرفین | ۳۰۶ |
| ب - تعدیل منوط بر مذاکره مجدد (هارد شیپ) | ۳۰۸ |
| ۱- مفهوم و دامنه بحث | ۳۰۸ |
| ۲- تکالیف ناشی از هارد شیپ | ۳۱۰ |
| ۳- تکلیف قرارداد در مدت مذاکره | ۳۱۲ |
| ۴- اثر ناکامی مذاکره | ۳۱۴ |

| | |
|-----|--|
| ۳۱۷ | ۵- اثر موفقیت مذاکره |
| ۳۲۱ | مبحث دوم: تعدیل در حین اجرای قرارداد |
| ۳۲۲ | گفتار نخست: تعدیل به صورت آزاد |
| ۳۲۷ | گفتار دوم: تعدیل در قالب اقاله |
| | الف- اقاله بخشی از عقد، بدون کاهش یا افزایش عوض |
| ۳۲۷ | و معوض |
| ۳۲۸ | ب- اقاله بخشی از عقد، با کاهش یا افزایش عوض و معوض .. |
| ۳۳۳ | فصل دوم: تعدیل قانونی |
| ۳۳۴ | مبحث نخست: قرارداد و قانون جدید |
| | گفتار نخست: اختلاف در قواعد «عدم تأثیر قانون در گذشته» و |
| ۳۳۴ | «اثر فوری قانون» |
| ۳۳۹ | گفتار دوم: دیدگاه سنتی (در مورد حل اختلاف) |
| ۳۴۲ | گفتار سوم: دیدگاه نو (در مورد حل اختلاف) |
| | مبحث دوم: مواردی که قانون اجازه بازبینی در قرارداد را به |
| ۳۴۵ | قاضی می دهد |
| ۳۴۹ | گفتار نخست: حقوق ایران |
| ۳۵۵ | گفتار دوم: حقوق تطبیقی |
| ۳۶۳ | مبحث سوم: تعدیل مستقیم قرارداد توسط قانون |
| ۳۶۴ | گفتار نخست: حقوق ایران |
| ۳۶۴ | الف- قوانین مربوط به مدت قرارداد |
| ۳۶۷ | ب- قوانین مربوط به محتوای قرارداد |
| ۳۷۰ | ج- قابلیت تغییر کمیّت پول در تعهدات پولی مدت دار |
| ۳۷۴ | ۱- تعریف پول |
| ۳۷۷ | ۲- سیر پول و مالیت آن |
| ۳۸۲ | ۳- مفهوم مثلی و قیمی و تأثیر آن در بازپرداخت پول |
| | ۴- خسارت تأخیر تأدیه، نهادی متفاوت از جبران کاهش |

| | |
|-----|--|
| ۳۹۷ | ارزش پول |
| ۴۰۴ | ۵- جمع بندی و نتیجه گیری |
| ۴۱۵ | گفتار دوم: حقوق تطبیقی |
| ۴۱۵ | الف - قوانین مربوط به مدت قرارداد |
| ۴۱۸ | ب - قوانین مربوط به محتوای قرارداد |
| ۴۲۲ | جمع بندی و نتیجه گیری |
| ۴۲۵ | نتیجه گیری و پیشنهادها |
| ۴۳۰ | فهرست منابع |
| ۴۴۴ | فرهنگ نامه |
| ۴۴۷ | فهرست الفبایی مطالب |

www.ketaboo.com

مقدمه

پیشرفت و تکامل زندگی مادی انسان حدّ نهایی ندارد. به موازات پیشرفته‌تر و در نتیجه پیچیده‌تر شدن روابط انسانی، روابط حقوقی انسان‌ها نیز متحوّل می‌شوند، یا لاجرم نهادهای حقوقی جدیدی پا به عرصه وجود می‌گذارند. روزگاری تصور انجام معاملات کلانی که طرفین آن در دو سوی دنیا باشند و بدون شناخت و دیدار هم، اقدام به انعقاد قرارداد نمایند، برای انسان قابل تصور نیز نبود، اما امروزه به لطف تجارت الکترونیک، روزانه میلیاردها دلار سرمایه و ثروت به همین ترتیب در جهان مبادله می‌شود.

طبیعی است که حقوق، به عنوان علم مهندسی اجتماعی، که طراح مدلهای و قالب‌های قابل پذیرش روابط اجتماعی، از جمله کارکردهای مهم آن است، نمی‌تواند از قافله علم و پیشرفت‌های مادی بشر عقب بماند، بلکه این امر با فلسفه وجودی آن نیز منافات دارد. پس قانونگذار و حقوقدان، ناگزیر باید با تحولات و واقعیات جامعه همراه باشند تا حقوق حاکم بر روابط اشخاص نیز، همچون روابط آنان، شاهد تحوّل مطلوب باشد.

روابط قراردادی، از جمله شاخه‌های موضوع مطالعه حقوق است که گذر زمان، چهره آن را اساساً دگرگون کرده است. از جمله ویژگی‌های روابط قراردادی اشخاص، دخالت اراده‌های آنان در تعیین سرنوشت قرارداد خویش است. اصل حاکمیت اراده که در قوانین کشورهای مختلف، با تعابیر گوناگون مورد شناسایی قرار گرفته است، به طرفین اجازه می‌دهد که بنای قرارداد را، آنگونه که خود می‌خواهند بسازند، با ویژگی‌های دلخواه خود که بتواند تمام خواست‌های آنان را

عملی سازد. پس در حوزه قراردادهای این امتیاز وجود دارد که متعاقدين می‌توانند، قانونگذار رابطه قراردادی خویش باشند. این امر باعث می‌شود که در صورت آگاهی و تجربه کافی متعاقدين، عقد با دقت و آینده‌نگری لازم تشکیل و با وجود مشکلات و موانع مختلف، به سلامت به سرمنزل مقصود رسد.

اما این مسأله، چیزی از وظایف قانونگذار در پیش‌بینی نظامی عادلانه برای روابط قراردادی نمی‌کاهد. قانونگذار آگاه و روشن باید این ضرورت را درک کرده، در راستای آن گام بردارد. پس اگر طرف‌های قرارداد نیز قانونگذار خوبی برای رابطه قراردادی خویش نباشند و با سکوت خود در تعیین کامل سرنوشت عقد در شرایط گوناگون باعث انحراف آن از اهداف موردنظر یا سوءاستفاده برخی متعاقدين گردند، این وظیفه قانونگذار است که با پیش‌بینی مقررات لازم، عقد را از انحراف رهانده، به مسیر اصلی خود هدایت نماید.

اما اگر طرفین قرارداد، به دلایل مختلف سرنوشت عقد را مبهم گذارده باشند و قانونگذار نیز، راهی برای حل مشکل نگشوده باشد. تکلیف چیست؟

در این صورت، چاره‌ای جز دخالت دادرس برای رفع عملی مشکل نخواهد ماند. تردیدی نیست که عدم وجود راهکار صریح در قانون، به معنای لاینحل بودن مشکل نیست. دادرس می‌تواند با استنباط از مواد مختلف قانونی و یا استفاده از قواعد حقوقی پذیرفته شده در نظام حقوقی یا تفسیر اراده طرفین، ظاهر گنگ یا گمراه‌کننده عقد را فدای خواست واقعی متعاقدين و نظم عمومی نماید. امری که در صورت خلأ یا نقص قوانین، می‌تواند راه رسیدن به نتیجه عادلانه را هموار ساخته، در تعالی عدالت بسیار مؤثر افتد.

در میان قراردادهای موجود، «قراردادهای با اجرای طولانی مدت» یا «مستمر» را باید از جمله قراردادهایی دانست که در سده اخیر و با پیشرفت اقتصادی و افزایش ضریب تأثیر عوامل خارجی در این نوع قراردادهای، با مشکلات اجرایی جدیدی مواجه و پرسش‌های تازه‌ای را مطرح ساخته‌اند. ویژگی عمده قراردادهای یاد شده آن است که بین زمان انعقاد قرارداد و تکمیل اجرایشان، فاصله زمانی وجود دارد. از سوی دیگر، شرایط و اوضاع و احوال زمان انعقاد، همیشه پایدار نمی‌ماند و بسیار دیده می‌شود که بروز حوادثی پیش‌بینی نشده و غیرمنتظره در

حین اجرای عقد باعث به هم خوردن تعادل و توازن اقتصادی قرارداد می‌شود، به گونه‌ای که اجرای بی‌کم و کاست مفاد قرارداد به مشقت و سختی یکی از طرفین عقد و گاه فقر و فلاکت وی و در مقابل سود بادآورده و غیرقابل تصور طرف مقابل می‌شود.

پرسش اصلی بحث «تعدیل قرارداد»، امکان و چگونگی متعادل ساختن نظم دگرگون شده قراردادی، در حالت‌های یاد شده است.

همچنان که از مطالب پیش گفته پیداست، به سه شیوه می‌توان چنین عقدی را از مشکل رهانید: طرفین قرارداد همیشه قادرند عقد را چنان منعقد سازند که در صورت تغییر اوضاع و احوال، از انعطاف لازم برخوردار بوده، بتواند خود را با شرایط جدید هماهنگ سازد؛ اگر طرفین به هنگام انعقاد قرارداد، اقدام به پیش‌بینی شرایط استثنایی کرده، نحوه تغییر شرایط اولیه قرارداد برای متوازن شدن مجدد تعهدات را مورد پیش‌بینی قرار داده باشند، مفاد اولیه عقد در شرایط جدید، خود به خود تغییر خواهد یافت. این نوع تغییر در مفاد عقد را، «تعدیل قراردادی» می‌نامند. طبیعی است که در این صورت، اصولاً مشکلی در ادامه اجرای قرارداد باقی نخواهد ماند. با اینهمه، بسیاری از قراردادها فاقد پیش‌بینی‌های لازم در این زمینه‌اند. طبیعی است که اگر امکان تعدیل قراردادی پیمان نباشد، بنابر اصل ثبات و استحکام قراردادها، چاره‌ای جز اجرای بی‌کم و کاست قرارداد نخواهد بود.

اما، گاه علیرغم آنکه طرفین پیش‌بینی خاصی برای تعدیل قرارداد ندارند، قانونگذار بنا به مصالح اجتماعی و منافع عمومی، بازبینی در مفاد قرارداد را لازم دانسته، اقدام به پیش‌بینی آن در قانون می‌کند. این نوع تغییر در مفاد قرارداد، «تعدیل قانونی» نامیده می‌شود. بدیهی است، هرگاه طرفین دوراندیشی لازم را نداشته، سرنوشت عقد را به تقدیر سپرده باشند، اما قانونگذار در شرایط بحرانی به کمک عقد و متعهد متضرر آید، باز، مشکلی در ادامه اجرای عقد نخواهد بود.

اما نهایتاً ممکن است، نه طرفین قرارداد و نه قانونگذار، صریحاً تعدیل قرارداد را پیش‌بینی نکنند. در این صورت ممکن است، دادرس با استفاده از قواعد مورد قبول نظام حقوقی، یا با تفسیر اراده طرفین و ... اقدام به تجدیدنظر در مفاد قرارداد نماید، امری که از آن تعبیر به «تعدیل قضایی» قرارداد می‌شود.

پس در تعریف تعدیل قرارداد می‌توان گفت: «هرگاه در جهت برابر ساختن تعهدات طرفین در قرارداد، به هر طریق ممکن، شروط اولیه قرارداد یا مفاد مورد تراضی آنان مورد تغییر قرار گیرد، تعدیل قرارداد صورت گرفته است».

پس تحقیق حاضر در صدد آن است که صحت و سقم، مبانی، شرایط، آثار و نتایج و وضعیت حاکم بر سه نوع تعدیل یاد شده را در حقوق ایران و دیگر نظام‌های حقوقی مورد نظر، بررسی نماید.

همچنان که اشاره شد، اصولاً "بحث از تعدیل قرارداد زمانی معنا دارد که تعادل و توازن میان تعهدات متقابل مخدوش شده باشد. طبیعی است که تصور چنین وضعیتی در قراردادی که میان انعقاد و تکمیل اثر آن فاصله‌ای نباشد، یا فاصله زمانی اندکی باشد، بسیار بعید است، در حالی که قراردادهای مستمر، همیشه آستان رویارویی با حوادثی هستند که می‌توانند تعادل تعهدات طرفین را مختل سازند. پس طبیعی است که هرگاه تعداد قراردادهای با اجرای طولانی مدت افزایش یابد، ضرورت بررسی تعدیل قرارداد نیز بیشتر شود. این درحالی است که امروزه بسیاری از قراردادهای مهم بین‌المللی یا ملی، همچون پروژه‌های بزرگ عمرانی و صنعتی و کشاورزی از این نوع عقودند و هرچه زمان می‌گذرد بر تعداد این قراردادها افزوده می‌شود. از سوی دیگر، هرچه عوامل خارجی تأثیرگذار بر قراردادهای مستمر بیشتر باشد، قراردادهای موضوع بحث، آسیب‌پذیرتر بوده، در نتیجه، نیاز به بحث از بازبینی آنها بیشتر احساس خواهد شد. نگاهی به وضعیت موجود نشان می‌دهد که هیچ‌گاه در گذشته عوامل خارجی تا این حد در قراردادهای خصوصی اشخاص تأثیر نداشته است. به علاوه، تأثیرات عمیق تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و... دولتمردان کشورها بر قراردادهای خصوصی نیز غیرقابل انکار و در حال افزایش است.

آنچه بیان شد، حکایت از اهمیت بحث تعدیل قرارداد دارد. افزون بر این، بررسی انواع شروط تعدیل‌کننده قراردادی و میزان اثربخشی و صحت و سقم هرکدام از آنها در حقوق ایران، می‌تواند نقش بسزایی در تنظیم صحیح و دقیق قراردادهای طولانی مدت داشته، با توجه به خلاءهای موجود قانونی، در تنظیم قوانین لازم، یا تشکیل رویه قضایی مناسب نیز مؤثر افتد. همچنین، در بحث از

تعدیل قضایی قرارداد، بررسی امکان توجیه‌پذیری تغییر مفاد قرارداد توسط دادرس ضروری به نظر می‌رسد؛ از سویی، منافع جامعه مقتضی آن است که قراردادهای خصوصی، به هیچ بهانه‌ای جز تراضی مجدد طرفین، قابلیت تغییر نداشته باشند و از سوی دیگر، عدالت و انصاف حکم می‌کند که اجازه داده نشود طرف قرارداد، به قیمت مشقت و سختی فراوان طرف دیگر، بلکه گاه، فقر و فلاکت وی، به سود غیر منتظره و بادآورده‌ای دست یابد. پس این نکته حائز اهمیت فراوان است که با بررسی‌های دقیق، راه حلی یافته شود که ضمن سازگاری با مبانی حقوقی کشور و رعایت مصالح قراردادی، بی‌عدالتی ناشی از اوضاع و احوال استثنایی خارجی را نیز از بین ببرد.

طبیعی است که برخی مباحث مطرح در نوشته حاضر، همچون هر پژوهش دیگری، در نوشته‌هایی پراکنده و از زوایایی گاه ناهمگون، مورد بحث و نقد قرار گرفته که ارجاعات موجود، نشان‌گر توجه به آنهاست. اما تا آنجا که نویسنده آگاهی دارد، تعدیل قرارداد به معنی عام خود - که شامل تعدیل قراردادی، تعدیل قانونی و تعدیل قضایی است - موضوع مطالعه‌ای مستقل و جامع قرار نگرفته است. آنچه در یکی دو نوشته پیش از این تحقیق، تقریباً به تفصیل بدان پرداخته شده، «نظریه تغییر اوضاع و احوال» است که تنها بخشی از موضوع مورد بحث این پژوهش را شامل می‌شود. ضمن آنکه در قسمت مشترک نیز، علاوه بر طرح مطالب فراوان دیگر، نویسنده کمتر با دیدگاه‌های آن نویسندگان موافق بوده و بر همین اساس نیز نتایج متفاوتی به دست آمده است.

پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است که هر بخش نیز به نوبه خود، حاوی چند فصل و مبحث و گفتار است؛ در بخش نخست که به تعدیل قضایی قرارداد اختصاص دارد، طی فصولی، به بررسی امکان تعدیل قرارداد توسط دادرسان پرداخته‌ایم که مباحث مربوطه با محوریت نظریه «عدم پیش‌بینی» مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. تئوری عدم پیش‌بینی، نظریه‌ای است که از سالیان دور، برای توجیه «تعدیل قضایی» قرارداد ارائه شده و امروزه در نظام‌های مختلف حقوقی و کشورهای مختلف، با همین عنوان یا عنوان‌های معادل، در بحث از تعدیل قضایی قرارداد مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرچه همه طرفداران این نظریه،

بر تغییرپذیری قضایی مفاد قرارداد تأکید دارند، اما مبنای پذیرش تئوری از دیدگاه آنان یکسان نیست، همچنان که مخالفان نظریه نیز در مخالفت‌های خود دلیل واحدی ندارند.

در بخش نخست، ابتدا تلاش کرده‌ایم مفهوم تئوری و سابقه آن را بیان کرده، مقایسه‌ای بین نهاد یاد شده و نهادهای حقوقی مشابه به عمل آوریم. سپس به بررسی انتقادات مختلف وارد بر این نظریه پرداخته، پاسخ طرفداران نظریه عدم پیش‌بینی را بیان کرده‌ایم. در قسمت دیگر این بخش، ضمن دو فصل مهم دیگر، مبانی عمومی ارائه شده جهت توجیه این تئوری و همچنین مبانی طرفداران داخلی نظریه را مطرح کرده، ضمن بررسی و نقد آنها، دیدگاه خود را در مورد کیفیت توجیه تعدیل قضایی قرارداد - با توجه به مبانی حقوق داخلی - بیان کرده‌ایم. به علاوه برای آنکه جایگاه عملی نظریه در حقوق فعلی روشن گردد، وضعیت آن را در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورهای صاحب نام مورد مطالعه قرار داده‌ایم. افزون بر آنچه بیان شد، این بخش دارای مطالب دیگری همچون توجیه‌پذیری تعدیل قضایی قرارداد در فقه عامه و... است که آگاهی از آنها خالی از فایده نیست.

در بخش دوم نیز، با دو فصل، به بررسی تعدیل قراردادی و قانونی پرداخته‌ایم؛ در فصل نخست (تعدیل قراردادی)، طی دو مبحث، انواع تعدیل قراردادی و صحت و سقم هر یک از آنها در حقوق داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالب این قسمت، علاوه بر آنکه راهنمای خوبی برای تنظیم قراردادهای طولانی مدت برای رهایی از گزند حوادث پیش‌بینی نشده است، می‌تواند تأثیر بسزایی در شکل‌گیری رویه قضایی مناسب در ارزیابی صحت و سقم شروط قراردادی ناظر به تعدیل عقد ایفاء نماید. فصل دوم (تعدیل قانونی) این بخش نیز، طی سه مبحث، به بررسی رابطه قرارداد و قانون جدید، تعدیل مستقیم قرارداد توسط قانونگذار و تجویز تعدیل قرارداد توسط قاضی، پرداخته است.

در اینجا توضیحی در مورد ترتیب ارائه مباحث اشاره شده، لازم به نظر می‌رسد؛ همچنان که پیشتر اشاره کردیم، مراجعه به تعدیل قانونی قرارداد در صورتی موجه است که طرفین قرارداد، خود اقدام به پیش‌بینی تغییر مفاد آن در شرایط خاص نکرده باشند. همچنین تعدیل قضایی قرارداد فقط زمانی معنا دارد که قرارداد و

قانون، نسبت به تعدیل عقد ساکت باشند. پس طبیعی است که در بحث از تعدیل قرارداد نیز، ابتدا، تعدیل قراردادی، سپس تعدیل قانونی و در نهایت، تعدیل قضایی مورد مطالعه قرار گیرد. با اینهمه در این نوشتار به دو علت، تعدیل قضایی قرارداد از حیث چینش مطالب به دو نوع دیگر، مقدم شده است: نخست آنکه بحث از نظریه عدم پیش‌بینی - که مطالب تعدیل قضایی قرارداد حول محور آن ارائه شده است - دارای مقدمات قابل توجهی بود که بررسی آن‌ها در میانه مباحث تعدیل، مناسب به نظر نمی‌رسید و دیگر آنکه، با وجود ترتیب منطقی یاد شده، پذیرش تعدیل قراردادی یا قانونی قرارداد، جز در موارد خاص با مشکل عمده‌ای روبرو نیست، در حالی که امکان تعدیل قرارداد توسط دادرس، تقریباً در حقوق همه کشورهای با موانع و تردیدهای جدی روبروست، که همین امر بر ارزش بحث از آن افزوده است، به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از پیگیری‌کنندگان مباحث مربوطه، فقط به دنبال یافتن پاسخی برای قابلیت توجیه تعدیل قضایی قراردادند. به همین علت ترجیح داده شد که نخست تعدیل قضایی قرارداد مورد نقد و بررسی قرار گرفته و سپس به دو نوع دیگر پرداخته شود.

در پایان لازم است اشاره نمایم که، آنچه پیش روی شماست، نتیجه پژوهشی است که بی‌تردید خالی از عیب و کاستی نیست. اما مهم آن است که نویسنده تلاش کرده است تا نکاتی به داشته‌های حقوقی کشورمان بیافزاید و امیدوار است با پیشنهادات خود، گامی در اعتلای عدالت برداشته باشد.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل که گر مراد نیابم به حدّ وسع بکوشم پس، به دیده منت از انتقاد حقوقدانان و صاحب‌نظران استقبال کرده، پیشاپیش از لطف و زحمت همه کسانی که با انتقال دیدگاه‌های خود در اصلاح و تکمیل این اثر می‌کوشند، بی‌نهایت سپاسگزار است.

آدرس پست الکترونیک نویسنده: Bigdeli@isu.ac.ir

و توفیق از خداست

تهران - بهار سال ۱۳۸۶